

فرماندهان پرافتخار

ویژگی:
معرفی شهدایی
که از فرماندهان
سال‌های دفاع مقدس
بودند

موضوع:
شهدای
محله

محله صفائیه در سال‌های دفاع مقدس شهدای بسیاری را تقدیم انقلاب کرد که برخی از آنها از فرماندهان سال‌های جنگ تحمیلی عراق علیه ایران بودند. «سیدحسین بنی‌هاشم» مسئول حفظ آثار و نشر دفاع مقدس سپاه ناحیه حضرت عبدالعظیم (ع) ری از شهدای نام‌آشنای محله برایمان می‌گوید.



حاج سعید تراب:
معاون گردان
الزهر (س) لشکر
۱۰ اسیدالشهدا که
در ۸ بهمن ۱۳۴۲ در

خانواده‌ای مؤمن متولد شد. سال‌های پیروزی انقلاب اسلامی با دوران نوجوانی این شهیدآفرین خور و فرصتی شد تا در خدمت امام و انقلاب سپری شود. او با آغاز جنگ تحمیلی، لباس رزم بر تن کرد و در عملیات بیت‌المقدس با از دست دادن یکی از دستانش به درجه جانبازی نایل آمد. حاج سعید در ۵ مرداد ۱۳۶۷ بر اثر اصابت



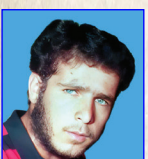
رسول سیفی
بنه‌کهل: فرمانده
حوزه ۲ سپاه شهر
ری بود که در ۳ خرداد
۱۳۳۱ در خانواده‌ای
مذهبی به دنیا آمد.

او از استعداد بالایی برخوردار بود و با ۵ زبان زنده دنیا آشنا بود. او همچنین تحصیلات دانشگاهی‌اش را تا مقطع کارشناسی رشته برق ادامه داد. با شروع جنگ، به‌عنوان نیروی سپاه پاسداران به جبهه رفت و در ۴ اسفند ۱۳۶۲ در منطقه عملیاتی جزیره



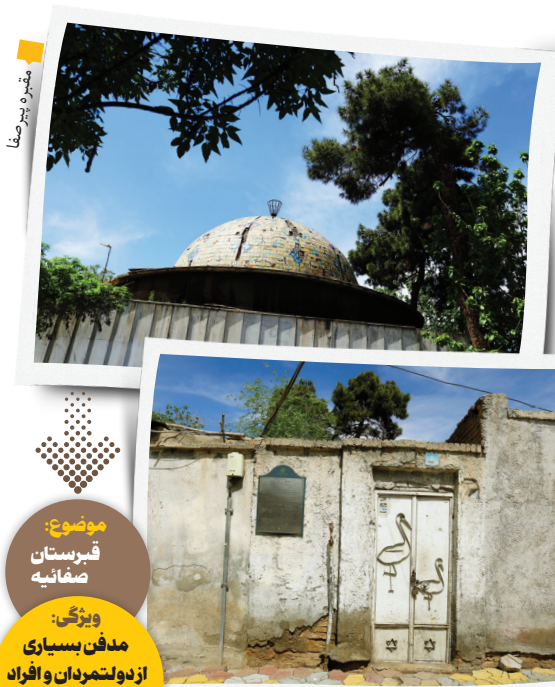
مجید رضائی: در
مهرماه ۱۳۳۵ متولد
شد. او پس از تحصیل
در دبیرستان ابن‌سینا
و هنرستان صنعتی
خرانه، موفق به اخذ

مدرک دیپلم ساختمان شد. خیلی زود به جمع مخالفان رژیم پهلوی پیوست و بعد از انقلاب اسلامی، به‌عنوان مربی آموزش نظامی بسیجی خدمت کرد. مجید در ۲۵ دی‌ماه ۱۳۶۵ در عملیات کربلای ۵ به شهادت رسید. او رئیس ستاد لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله (ص) بود.



محمد زنگنه:
در آبان ۱۳۴۴ در
صفائیه متولد شد.
او پس از پایان
تحصیلات ابتدایی
وارد بازار کار شد و با

آغاز جنگ، به جبهه رفت. محمد در هشتم اسفند ۱۳۶۲ با سمت تخریبچی در جزیره مجنون به شهادت رسید. پیکر پاکش تا سال ۱۳۷۷ در محل شهادتش باقی ماند و پس از عملیات تفحص به آغوش خانواده‌اش بازگشت.



موضوع:
قبرستان
صفائیه

ویژگی:
مدفن بسیاری
از دولتمردان و افراد
سرشناس چون
جبار باغچه‌بان

مقبره باغچه بان

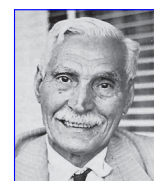
همانجا دفن شوند. چهره‌های برجسته تاریخ در میان قبور صفائیه کم نیستند. عبدالغفار نجم‌الملک، منجم معروف قاجار و مهندس و ریاضیدان که نخستین نقشه تهران را ترسیم کرد، شاه ولی‌الله دهلوی عارف، شیخ حسن شریعت سنگلجی، میرزا شمس‌الدین حکیم الهی، حکیم و علامه میرزاغلامرضا اصفهانی، خوشنویس برجسته قاجار و علی‌اکبرخان داور وزیر دارایی و عدلیه پهلوی اول و بنیانگذار دادگستری جدید در ایران در این قبور خانوادگی دفن شده‌اند.



عبدالغفار نجم‌الملک

در حقیقت باغ صفائیه را می‌توان باغ مزار نیز نام نهاد. ورود به این آرامگاه‌های خانوادگی متنوع است و برخی از آنها همچون آرامگاه خانوادگی اشتری که مدفن باغچه‌بان است سالی یک‌بار به مناسبت روز ناشوایان باز می‌شود.

ارادت داشتند در این خانه مدفونند. از طرفی با افزایش تدفین در قبرستان ابن‌بابویه، خاندان‌های شیبانی، اشتری و صدی برای دفن اموات خود مقبره‌های خانوادگی در نزدیکی باغ صفائیه ساختند. بسیاری از این مقبره‌ها وضعیت نابسامانی دارند؛ قبوری که سال‌به‌سال کسی سراغشان نمی‌آید. بسیاری از این قبور همچون مزار جبار باغچه‌بان که در مقبره خانوادگی اشتری به خاک سپرده شده است متأسفانه به‌دست فراموشی سپرده شده و شاید سالی یک‌بار هم دره‌ایش گشوده نشود. در گذشته خانقاه صفائیه همچون کاروانسرای حجره به حجره بود و درویش در این حجره‌ها ساکن می‌شدند و بسیاری نیز وصیت کرده بودند بعد از مرگ



جبار باغچه‌بان



علی‌اکبر داور

صفائیه به دلیل قرار گرفتن در نزدیکی قبرستان ابن‌بابویه و امامزاده هادی (ع) و همچنین وجود مقبره پیر صفا محل مناسبی برای دفن مشاهیر بود. خیابان‌های شهید تقوی‌نیا و ۲۲ بهمن در صفائیه با دیگر خیابان‌های این محل فرق دارد. علاوه بر خانه‌های مسکونی و آپارتمان‌های بلند و کوچک، خانه‌های ساده با درهای آهنی و زنگ‌ده‌ای که با زنجیر و قفل پوشانده شده‌اند خودنمایی می‌کنند. باید اهل صفائیه باشی یا آشنا با تاریخ ری تا ماجرای این درهای آهنی و قفل و زنجیر شده را بدانی. محمدعلی عالمی از قدیمی‌های محله صفائیه می‌گوید: «این‌ها درهای مقبره‌های خانوادگی است که در صفائیه وجود دارد. بسیاری از افراد مشهور و برجسته که به درویش

مشتریان خاص قهوه‌خانه شهدی عوض چه کسانی بودند



جرات می‌کرد به این قهوه‌خانه برود. آن زمان کشتار گاه وجود نداشت و در کنار همین قهوه‌خانه‌ها روزانه چندین رأس گوسفند ذبح می‌کردند. در نزدیکی چشمه علی، عباس قالیشور هم قهوه‌خانه داشت که بیشتر صنف قالیشویی در آن حضور داشتند و همچنین افرادی که جویای کار بودند با آمدن به این قهوه‌خانه و درخواست کار، در قالیشویی مشغول می‌شدند. عباس قالیشور برای ناهار دیزی آماده می‌کرد. به همین خاطر اغلب گردشگران تهرانی برای خوردن دیزی‌های او به چشمه‌علی می‌آمدند.

قهوه‌خانه‌های مشهور متعددی در گذشته در محدوده یک کیلومترمربعی محله صفائیه وجود داشت که پاتوق و تفرجگاه اهالی و کارگران کارخانه‌ها شدند. در کنار این قهوه‌خانه‌ها، نانوا، قصابی و حتی حمام هم ایجاد شده بود. از کارگران کارخانه سیمان گرفته تا بازرگانان دور میدان صفائیه که سبزی و صیفی می‌فروختند، مشتری این قهوه‌خانه‌ها بودند. بارفروشان هر صبح کله سحر از میدان شوش بار تهیه کرده و در میدان صفائیه بساط می‌کردند. تجارت موز در تهران زیر نظر طبیب حاج رضایی بود، پیر مردی به اسم شهدی برات، بار طبیب را در صفائیه می‌فروخت و طبیب هم گاهی برای سرکشی بارش به این محله می‌آمد. جوان‌ها از او حساب می‌بردند و وقتی به محله می‌آمد حداقل ۲۰ نفر او را همراهی می‌کردند.

محمدعلی عالمی در این باره می‌گوید: «در میان این قهوه‌خانه‌ها، قهوه‌خانه «شهدی عوض» بروبیایی بیشتری داشت و اغلب اهالی تا پاسی از شب در آنجا گهده می‌کردند. چون در آن دوران فقط قهوه‌خانه «شهدی عوض» تلویزیون داشت و کارگران و اهالی برای تماشای تلویزیون به قهوه‌خانه می‌آمدند. به خوبی به‌خاطر دارم سال ۱۳۵۳ بود که سربال هزار و یک شب از تلویزیون پخش می‌شد و اهالی برای تماشای آن سر پا نمی‌شناختند.

شهدی عوض اجازه نمی‌داد کودکان وارد قهوه‌خانه شوند به همین دلیل، در میان هیاهوی پخش سریال، ما بچه‌ها از پشت شیشه قهوه‌خانه، فیلم را می‌دیدیم. صاحب قهوه‌خانه از مشتری‌ها که اغلب جوان بودند نفری یک ریال می‌گرفت و در ازایش صندلی به آنها تحویل می‌داد. همچنین بعضی از قهوه‌خانه‌ها به اقوام خاصی اختصاص داشت. مثلاً قهوه‌خانه‌ای فقط مخصوص لرها بود یا قهوه‌خانه «میرزا آقا» که محل رفت‌وآمد گنده‌لات‌ها بود و کمتر جوانی



موضوع:
قهوه‌خانه‌های
محله

ویژگی:
هر قهوه‌خانه
پاتوق صنف
خاصی بود